

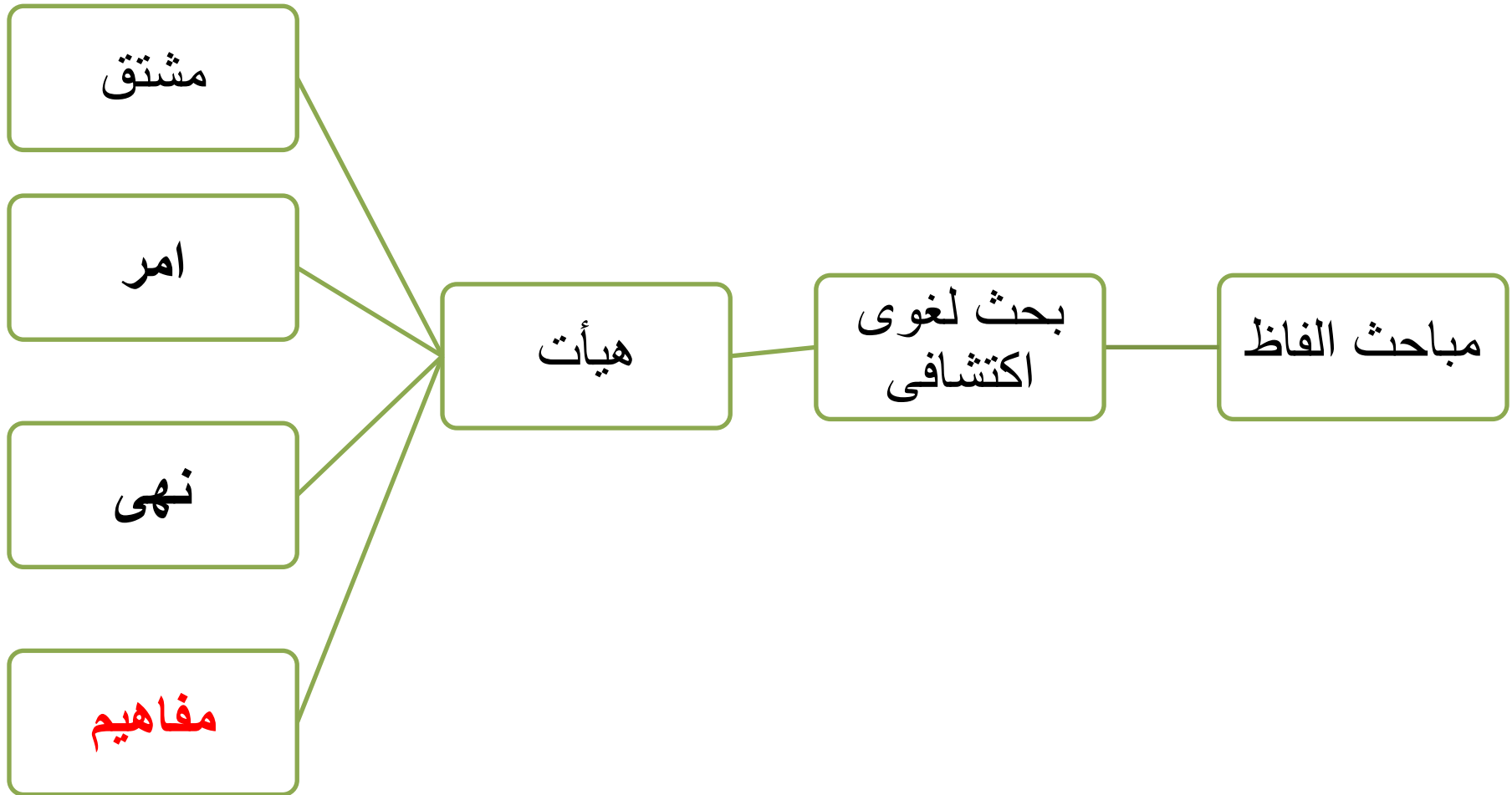
# علم أصول الفقه

١٤

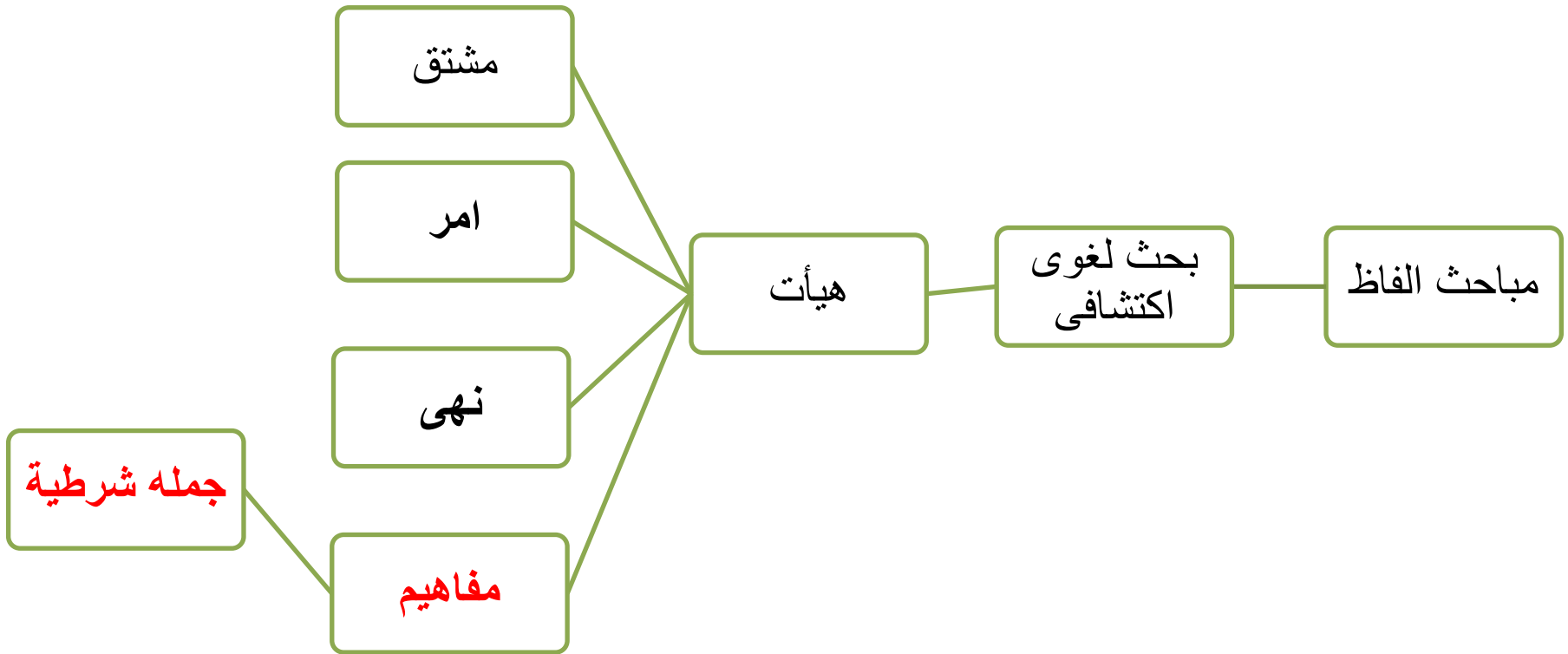
مفاهيم ٢٠-١-٩٦

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

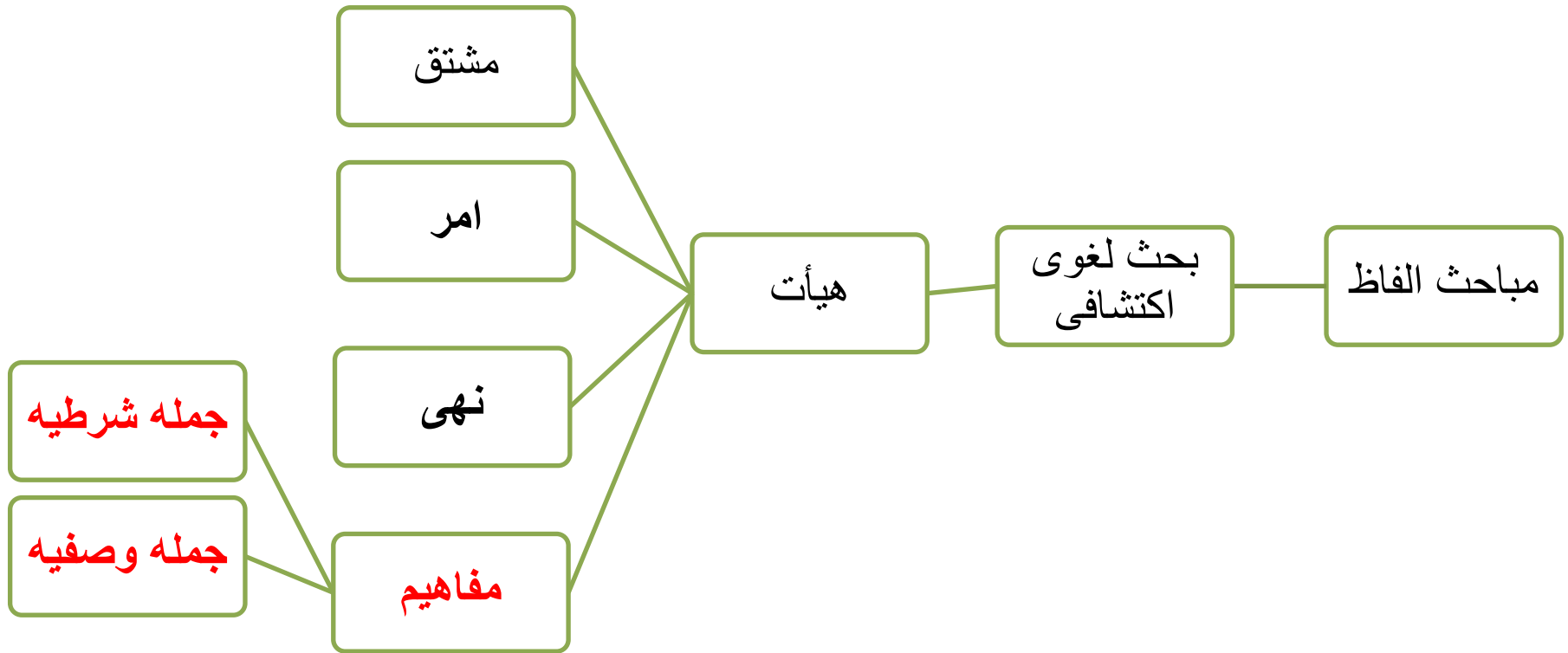
## ۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



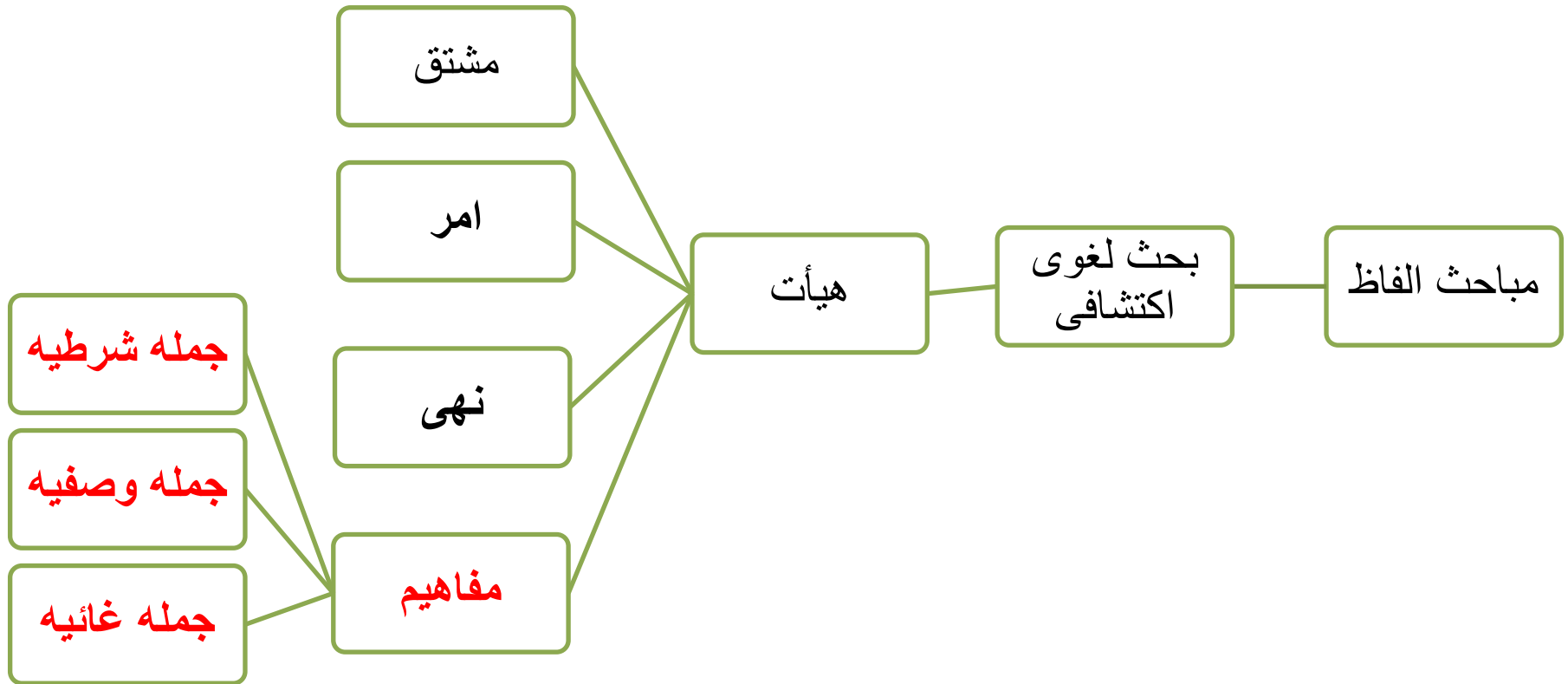
## ٢- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



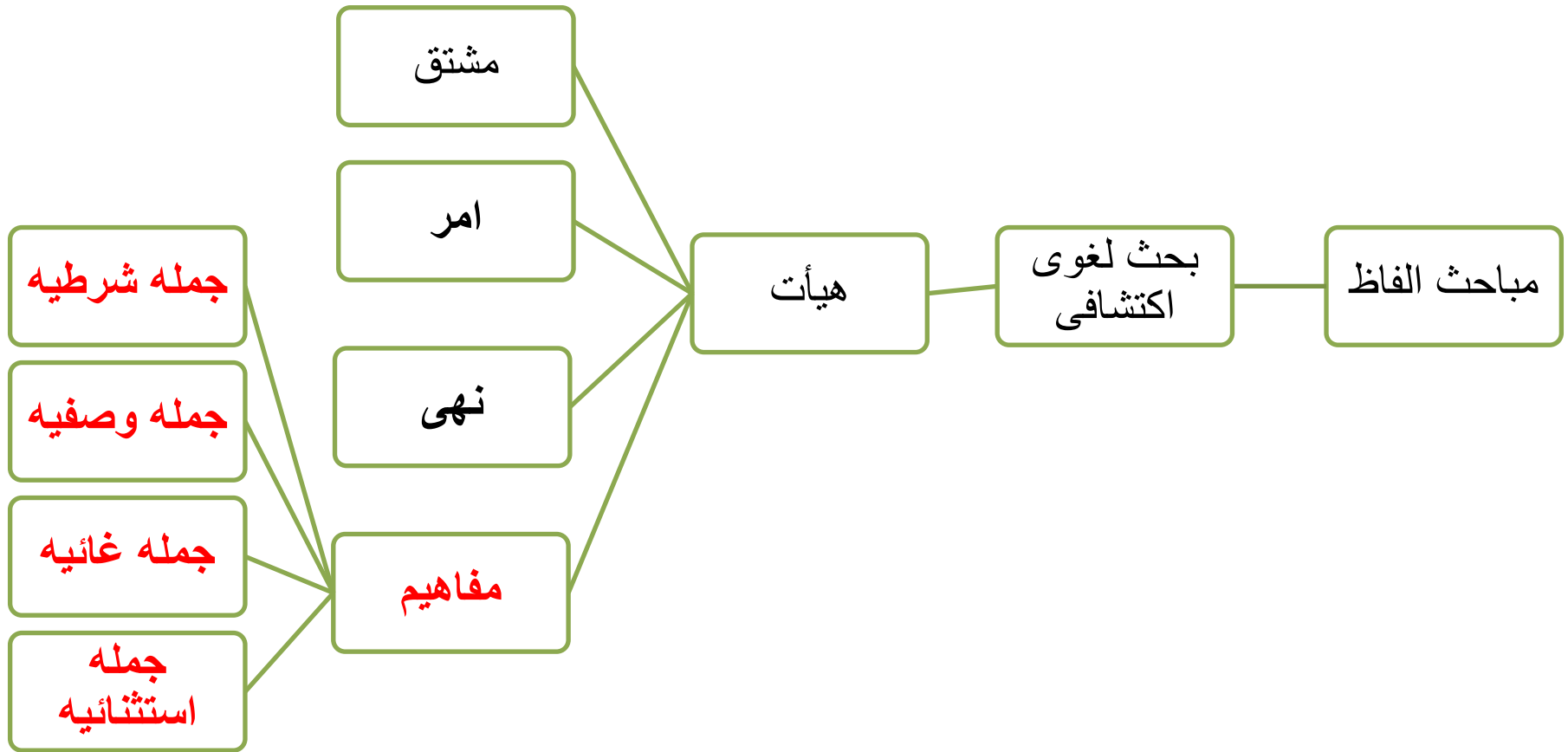
## ۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



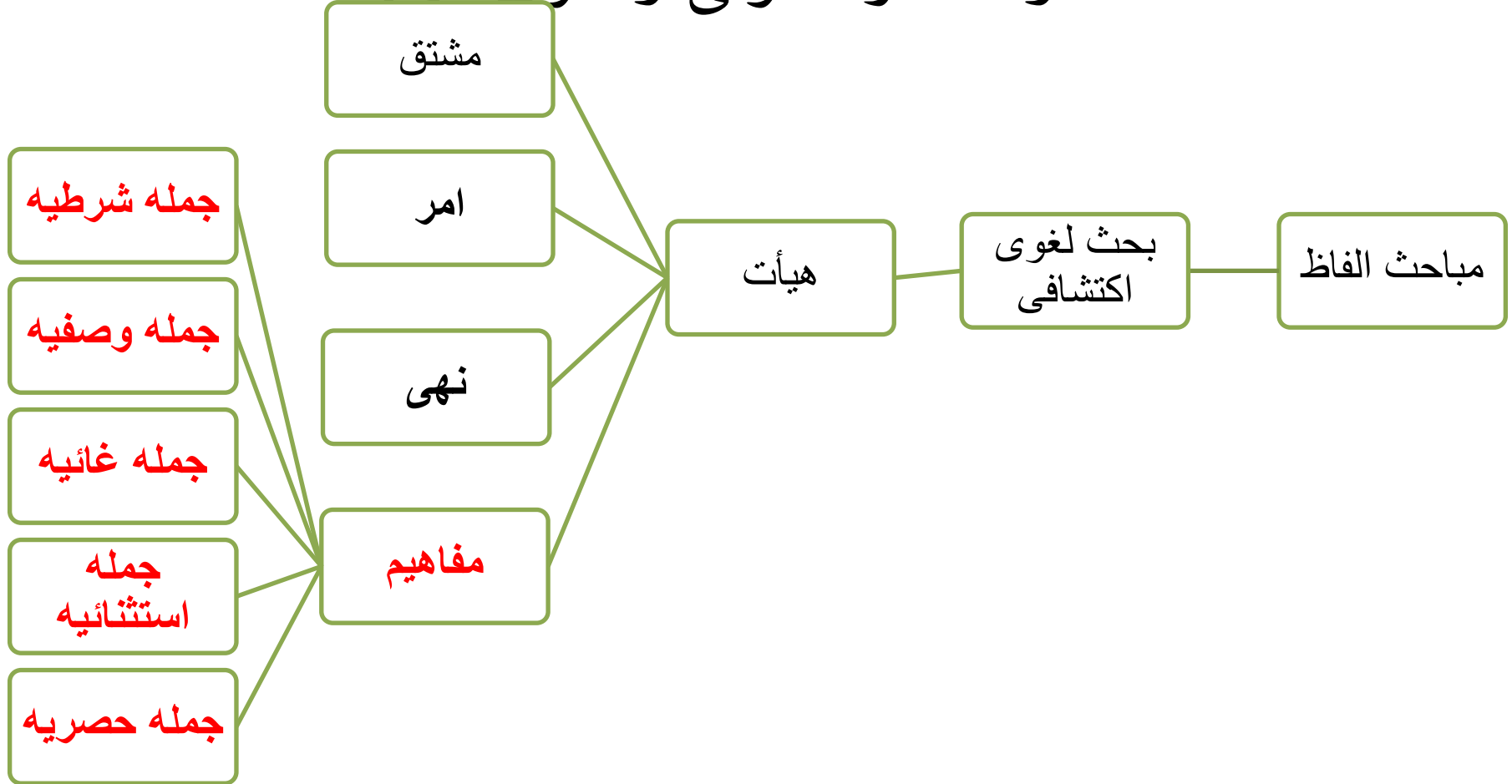
## ۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



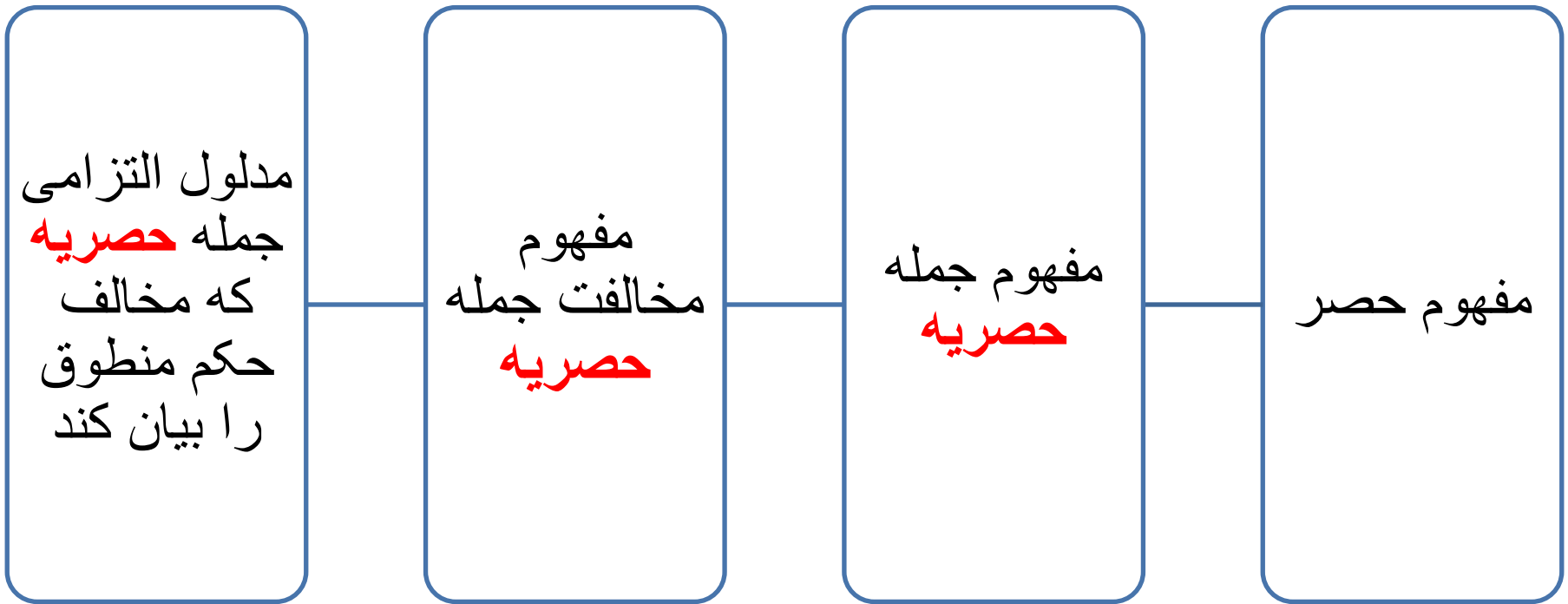
## ۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



## ۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ

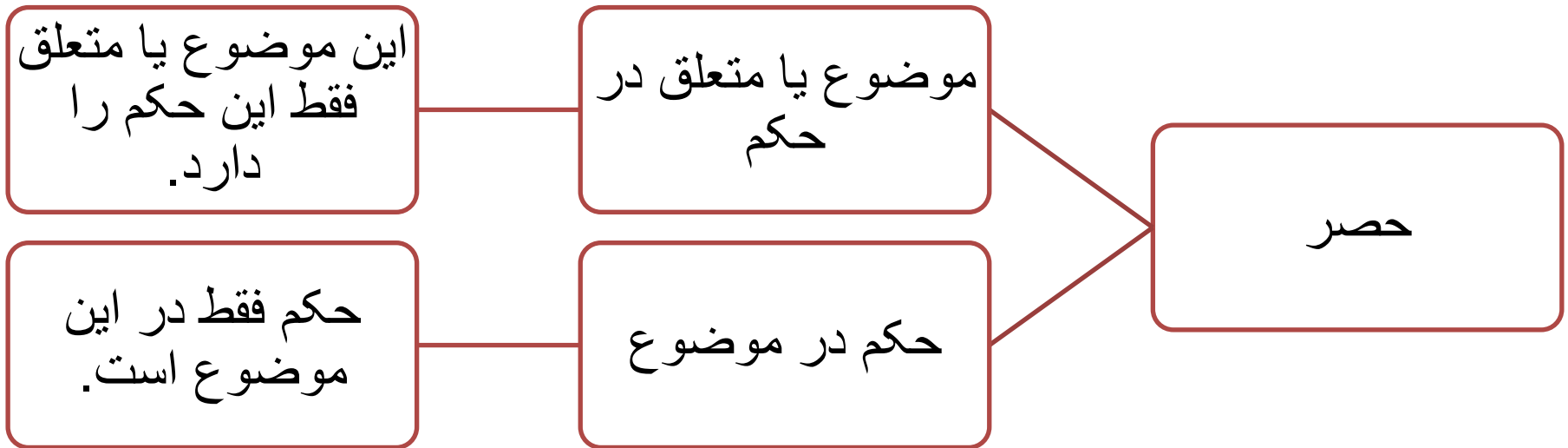


## ۵. مفهوم حصر





## ۵. مفهوم حصر



## ۵. مفهوم حصر

- مفهوم حصر
- در بحث حصر تقریباً همه بدون دعوا گفتند جمله حصریه بر مفهوم دلالت می‌کند.
- مقصود از حصر، حصر در ناحیه **حکم** است وگرنه حصر اگر در ناحیه موضوع یا متعلق باشد، از بحث ما خارج است.

## مفهوم الحصر

- مفهوم الحصر:
- لا شكّ في أنّ كلّ جملة تدلّ على حصر حكم بموضوع تدلّ على المفهوم؛ لأنّ الحصر يستبطن انتفاء الحكم المحصور عن غير الموضوع المحصور به، والحصر بنفسه قرينة على أنّ المحصور طبيعيّ الحكم، لا حكم ذلك الموضوع بالخصوص، إذ لا معنيّ لحصره حينئذٍ؛ لأنّ حكم الموضوع الخاصّ مختصّ بموضوعه دائماً.

## مفهوم الحصر

- وما دام المحصور هو الطبيعيّ فمقتضى ذلك ثبوت المفهوم، وهذا ممّا لا ينبغي الإشكال فيه، وإنّما الكلام في تعيين أدوات الحصر:
- فمن جملة أدواته: كلمة (إنّما) فإنّها تدلّ على الحصر وضعاً بالتبادر العرفي.

## مفهوم الحصر

- ومن أدواته: جعل العامّ موضوعاً مع تعريفه، والخاصّ محمولاً، فيقال:
- (ابنك هو محمد) بدلاً عن أن نقول: (محمد هو ابنك)، فإنه يدلّ عرفاً على حصر البنوة بمحمد.
- والنكته في ذلك: أنّ المحمول يجب أن يصدق - بحسب ظاهر القضية - على كلّ ما ينطبق عليه الموضوع، ولا يتأتّى ذلك في فرض حمل الخاصّ على العامّ إلّا بافتراض انحصار العامّ بالخاصّ.

## مفهوم الحصر

- مفهوم الحصر
- و من جملة ماله مفهوم أدوات الحصر و أساليبه كأنما و تقديم ما حقه التأخير، و الوجه في دلالتها على المفهوم اشتمالها على ركنيه:

## مفهوم الحصر

- أمّا الركن الأول و هو الدلالة على العليّة بمعنى الموضوعية الانحصارية، فلأنّه مدلول أداة الحصر بحسب الفرض و هذا يعنى توفر هذا الركن فى جملة الحصر بحسب مدلولها التصورى.

## مفهوم الحصر

- و أمّا الركن الثاني - وهو إثبات أنّ المحصور سنخ الحكم لا شخصه فهو ثابت أيضاً في جملة الحصر بلا حاجة إلى مقدمات الحكمة أو الظهور الإطلاقي، لأنّ حصر شخص الحكم أمر كان ثابتاً بقطع النظر عن الحصر و ظاهر الإتيان بأداة الحصر تأسيس مطلب جديد لا تأكيد ما كان، مضافاً إلى لغوية حصر الشخص مع عدم انحصار السنخ عرفاً، فبالجملة الحصر بنفسه يكون قرينة على أنّ المحصور سنخ الحكم لا شخصه.



## مفهوم الحصر

- و بذلك يظهر وجه ما يذكر من أقوائية مفهوم الحصر من جميع المفاهيم الأخرى فإنَّ كلاً ركني المفهوم يكون ثابتاً في جملة الحصر بظهور تصوري أو ما بحكمه.

## ۵. مفهوم حصر

- مرحوم آقای صدر - رضوان الله عليه - می فرمایند:
- برای اثبات مفهوم در حصر نیاز به اطلاق و مقدمات حکمت نداریم؛ مثلاً در همان جملة استثنائية سالبه که نوعی حصر در خودش داشت مثل «لا تكرم العلماء إلا العدول منهم» معنایش این است که وجوب اکرام محصور است در دایرة عالمان عادل.
- «إنما يجب إكرام العلماء العدول» هم همین معنا را بیان می کند.

## ۵. مفهوم حصر

- مرحوم آقای صدر می‌فرمایند:
- اگر قرار باشد این عبارت فقط بگوید شخص این حکم مال عالمان عادل است. دیگر حصر برای چه آورده است؟
- این مقدار را «أكرم العلماء العدول» نیز بیان می‌کند که این شخص وجوب اکرام برای عالمان عادل است.
- پس متکلم با حصر می‌خواهد چیزی زائد بر آن بیان کند.
- این ویژگی حصر چیست که در «أكرم العلماء العدول» نیست.

## ۵. مفهوم حصر

- وقتی سنخ حکم محصور شد به یک مورد خاص، معنایش این است که در غیر این مورد سنخ حکم منتفی است.
- این معنا در واقع مدلول التزامی هیأت ترکیبیه است و مفاد این مدلول التزامی مخالف است با مفاد منطوق و این یعنی همان مفهوم مخالفت کلی.

## ٥. مفهوم حصر

- و المخالف في المقام: هو أبو حنيفة «١»؛ مستدلاً بالأثر المشهور « لا صلاة إلا بفاتحة الكتاب » «٢» أو «بطهور» «٣» فإنه على تقدير الدلالة يلزم أن يكون الصلاة المقرونة بها مع فقد سائر شرائطها صلاة تامة.
- (1)- انظر مطارح الأنظار: ١٨٧ / السطر ٢٥، شرح العضدي على مختصر ابن الحاجب: ٢٦٥، المحصول في علم أصول الفقه ٢: ٥٤٨ .
- (2)- عوالي اللآلي ٣: ٨٢ / ٦٥، مستدرک الوسائل ٤: ١٥٨، كتاب الصلاة، أبواب القراءة في الصلاة، الباب ١، الحديث ٥ و ٨ - (3) . تهذيب الأحكام ١: ٤٩ / ١٤٤ .

## ٥. مفهوم حصر

- و أنت خير: بأن المتكلم في مقام بيان أن الفاتحة من أجزاء الصلاة؛ بحيث تنتفي بانتفائها، و لا تثبت إلّا بإثباتها. و أمّا أن محقق الصلاة هي نفسها وحدها أو هي بانضمام شرائط أخرى فليس بصدد بيانه.
- و بعبارة أوضح: أن هذا الكلام بصدد إفادة شرطية الطهارة و جزئية الفاتحة في الصلاة لا الإخبار عن أن الصلاة تتحقق عند وجودها دائماً، فهو بصدد إفادة الجزئية لا بصدد الإخبار عن العقد السلبي و الإيجابي، و في مثله لا يجرى ما يجرى في مثل «جاءني القوم إلّا زيدا».

## ۵. مفهوم حصر

- اشکال حضرت امام
- ایشان در این بحث از برخی از فقهای اهل سنت مثل ابوحنیفه نقل می‌کنند که گفته‌اند اگر حصر بر مفهوم دلالت کند، ما به نتایج غریبی در فقه خواهیم رسید؛

## ۵. مفهوم حصر

- مثلاً در «لا صلاة إلا بطهور» اگر ترکیب دلالت کند بر اینکه صلاة در دایرة طهور منحصر است، معنایش این است که در صورتی که طهور باشد، صلاة تحقق پیدا می‌کند؛ هرچند انسان هیچ کار دیگری غیر از طهور انجام ندهد! نه ذکری و نه عملی! چون این ترکیب دلالت می‌کند که هیچ چیز دیگری غیر از طهور مُحَقَّقٌ طبیعت صلاة نیست در حالی که می‌دانیم صلاة اجزاء و شرایط متعددی دارد که فقط یکی از آنها طهور است؛
- بنابراین حصر نمی‌تواند بر مفهوم دلالت داشته باشد.



٥. مفهوم حصر

حقيقي

اضافى

حصر

## ۵. مفهوم حصر

- انواع حصر
- حصر حقیقی و حصر اضافی
- در فقه یک بحثی داریم که حصر به دو گونه است.
- گاهی حصر حقیقی و مطلق است؛ یعنی می‌خواهیم بگوییم که این حکم محصور در این دایره است مطلقاً
- و گاهی حصر اضافی و نسبی است؛ یعنی در یک مقایسه می‌گوییم محصور است در فلان دایره و اگر این نگاه مقایسه‌ای نبود، چنین حصری هم در کار نبود.

## ۵. مفهوم حصر

- بعد در فقہ این بحث مطرح می شود که اگر ما در جایی با حصر مواجه شدیم، آیا ظاهر اولیة حصر، حصر اضافی است یا حصر حقیقی مطلق؟
- جوابی که آنجا داده می شود این است که با استفاده از اطلاق و مقدمات حکمت، می گویم حصر، حقیقی مطلق است؛ مگر اینکه قرینة خاصی بر حصر اضافی و نسبی وجود داشته باشد.

## ۵. مفهوم حصر

سخن شهید صدر - رضوان الله علیه - در حصر حقیقی مطلق درست است نه در حصر اضافی. در حصر حقیقی مطلق که ظاهراً مورد نظر ایشان هم همین بوده است، به نحو مطلق حکم محصور می شود در یک دایره خاص.

## ۵. مفهوم حصر

- در این گونه موارد معنادار است که حصر ناظر به سنخ حکم است؛ زیرا شخص حکم که همواره در دایرة مطلق و موضوع خودش محصور است و شامل قیدش نمی‌شود و نیاز به حصر ندارد؛ بنابراین ادات حصر چیزی را که اضافه بر جمله معمولی بیان می‌کنند، همین است که سنخ حکم هم محصور در این دایره است؛
- اما برای اینکه احراز کنیم که این حصر، حصر حقیقی مطلق است یا حصر اضافی، به اطلاق و مقدمات حکمت احتیاج داریم.

## الركن الثاني للمفهوم

النوع

الشخص

الحكم

